

مدل‌سازی معادلات ساختاری گرایش به طلاق بر اساس باورهای بدکارکردی جنسی، باورهای ارتباطی با میانجی‌گری دل‌زدگی زناشویی

هانا اسدی^۱، فؤاد شریفی^۲، حسین قمری گیوی^{۳*}

۱- دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

hana.asadi.1362@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

foad.sharifi.6310@gmail.com

۳- استاد تمام گروه مشاوره، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول)

Hghhossein44@gmail.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۲/۱۰/۵]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۲/۷/۲۵]

چکیده

هدف از پژوهش حاضر ارائه مدلی برای پیش‌بینی میل به طلاق بر اساس باورهای بدکارکردی جنسی و باورهای ارتباطی با میانجی‌گری دل‌زدگی زناشویی در زنان و مردان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرداری اردبیل بود. روش: این پژوهش از نظر روش‌شناسی در زمره‌ی پژوهش‌های همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه مراجعان مراکز مشاوره شهر اردبیل بود که از این میان ۲۹۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه پرسشنامه باورهای بدکارکردی جنسی نوبره، پنینو و گویا (۲۰۰۷)، پرسشنامه باورهای ارتباطی آیدلسون و اپشتاین (۱۹۸۱)، پرسشنامه دل‌زدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶) و پرسشنامه میل به طلاق روزبولت، زمبروت (۱۹۸۳) استفاده شد. تحلیل داده‌ها به روش مدل معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزار AMOS-24 انجام گرفت. یافته‌ها: نتایج نشان داد با توجه به شاخص‌های برازش ارائه شده، مدل پژوهش پس از اصلاح از برازش مناسبی برخوردار است. همچنین، اثر مستقیم باورهای بدکارکردی جنسی و باورهای ارتباطی بر میل به طلاق معنادار بود و در رابطه بین باورهای بدکارکردی جنسی و باورهای ارتباطی با میل به طلاق، دل‌زدگی زناشویی نقش میانجی داشت. نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان داد که باورهای بدکارکردی جنسی و باورهای ارتباطی به صورت مستقیم تأثیر مثبت بر میل به طلاق دارد و باورهای بدکارکردی جنسی با میانجی‌گری دل‌زدگی زناشویی اثر غیرمستقیم و مثبت بر میل به طلاق دارد و باورهای ارتباطی با میانجی‌گری دل‌زدگی زناشویی اثر غیرمستقیم و مثبت بر میل به طلاق نشان می‌دهد. به تعبیری سرخوردگی و دل‌زدگی زناشویی، کاهش تدریجی دلبستگی عاطفی به همسر است که با احساس بیگانگی، بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی به یکدیگر و جایگزینی عواطف منفی به جای عواطف مثبت همراه است بنابراین، با در نظر گرفتن پیامدهای ناشی از دل‌زدگی زناشویی زوجین می‌توان تا حد زیادی تمایل زوجین به طلاق را پیش‌بینی کرد.

واژگان کلیدی: میل به طلاق، باورهای بدکارکردی جنسی، باورهای ارتباطی، دل‌زدگی زناشویی.

۱- مقدمه

امروزه مشکلات خانواده‌ها به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. افزایش تعداد زوج‌های مشکل‌دار، به هم خوردن تعادل خانواده‌ها، مختل شدن روابط زوجین و همچنین آمار بالای طلاق شاهی بر این ادعا است. پدیده طلاق، یکی از معضلات مهم در زندگی زوجین محسوب می‌شود که شیوع روزافزون آن پژوهشگران و نظریه‌پردازان حوزه خانواده و ازدواج را بر آن داشته که در مورد علل و عوامل تأثیرگذار بر آن به بررسی و تحقیق بپردازند (یوسفی و کیانی، ۲۰۱۲). طلاق فرایندی است که با تجربه بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقش‌ها و سبک زندگی جدید خاتمه می‌یابد (Zheng, Duan & Ward, 2019). گرایش به طلاق به‌عنوان تمایل زوجین به جدایی و گسستن رابطه زناشویی شامل سه بعد شناختی (تخیل در مورد طلاق)، عاطفی (هیجانات مثبت و منفی نسبت به طلاق) و رفتاری (آمادگی رفتاری برای اقدام به طلاق) است (Ozouni-Davaji, Farahbakhsh, Esmaeily & Kazemi, 2018). می‌توان اظهار داشت که تصمیم به طلاق نتیجه فشار درونی شدیدی است که حداقل به یکی از همسران وارد می‌شود که ممکن است از طریق برآورده نشدن نیازها یا اهداف، شیوه‌های مقابله‌ای ضعیف، مدیریت حوادث زندگی یا ناتوانی در انتقال احساسات به همسر باشد (Young & Long, 1998). به‌نوعی تمامی عوامل موقعیتی و ارتباطی می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای بر تعاملات زوجین و سلامت خانواده داشته باشند (عظیمی، همایونی و محمدزاده، ۲۰۱۶). طلاق و جدایی اثرات منفی زیادی چه از لحاظ روانی و چه از لحاظ جسمانی بر زوجین (شامل افزایش خطر بیماری‌های روانی، افزایش بیماری‌های جسمانی، خودکشی، تصادفات منجر به مرگ، خشونت و آدم کشی) و همچنین بر فرزندان (افسردگی، گوشه‌گیری، ضعف کفایت اجتماعی، مشکلات بهداشتی و تحصیلی) بر جای می‌گذارد (Hiyoshi, Fall, Netuveli & Montgomery, 2015). تجربه طلاق، سازگاری افراد را در تمام ابعاد (روان‌شناختی، جسمانی، اجتماعی و هیجانی) تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث کاهش عملکرد و ناکارآمدی اعضای خانواده پس از طلاق می‌گردد (محمدی، شیخ هادی سیروئی، گرافر، زهراکار، شاکرمی و داورنیا، ۱۳۹۵). پژوهشگران معتقدند عوامل گوناگونی در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی به تفکیک و نیز در تعامل با یکدیگر بر رابطه زوجین اثر گذاشته و ممکن است منجر به گرایش به سمت طلاق شوند (Amato & Hohmann-Marriott, 2007). یکی از این عوامل مشکل‌زا که در رابطه زوجین احتمال دارد اتفاق بیفتد باورهای بدکارکردی جنسی است بر طبق پژوهش‌ها افکار و نگرش‌های ناسازگارانه در چگونگی تفسیر اطلاعات در موقعیت‌های جنسی و نهایتاً تجربه، میل، برانگیختگی و ارگاسم نقش بسیار مهمی ایجاد می‌کند. اگر محرک ورودی به‌گونه‌ای تفسیر شود که باعث به وجود آمدن افکار جنسی مثبت شود در مقایسه با تغییری که باعث ایجاد افکار منفی می‌شود، احتمالاً تأثیرات متفاوتی بر پاسخ جنسی فرد خواهد داشت (اسپنس، ۱۳۸۵). عملکرد جنسی، بخشی از زندگی و رفتار انسان است و چنان با شخصیت فرد درهم آمیخته است که صحبت از آن به‌عنوان پدیده مستقل، غیرممکن به نظر می‌رسد. تمایلات جنسی همواره مرکز توجه، علاقه و کنجکاوی بوده است و بر کیفیت زندگی فرد و شریک او تأثیر غیرقابل‌انکاری دارد (سادوک، سادوک و روئیز، ۱۴۰۰). یکی از مهم‌ترین عوامل خوشبختی در زندگی زناشویی، روابط لذت‌بخش جنسی است و رضایت‌بخش نبودن آن منجر به احساس محرومیت، ناکامی و عدم ایمنی در همسران می‌شود این محرومیت جنسی در بسیاری از مواقع در نهایت منجر به طلاق و ازهم‌گسستگی زندگی زناشویی می‌شود. بی‌توجهی به اهمیت مشکلات جنسی در روابط زناشویی موجب صدمات بسیاری به روابط زن و شوهر می‌شود و با ایرادگیری از همسر، ابراز نارضایتی از زندگی، قهرهای طولانی، تعارض، تهدید به جدایی و غیره همراه است (Mccarthy, 2002). رفتار جنسی به آن دسته از رفتارها و روش‌هایی اشاره دارد که انسان بر اساس آن‌ها، تمایلات جنسی خود را تجربه و اظهار می‌کند. افراد در زمان‌های متفاوت و به دلایل متفاوت، رفتارهای جنسی متفاوتی (از منظر شکل رفتاری و نه ماهیت) را از خود نشان می‌دهند. فعالیت جنسی طبیعی، ناشی از برانگیختگی جنسی و تغییرات فیزیولوژیکی در فرد برانگیخته شده است. هدف فعالیت جنسی در انسان رسیدن به ارگاسم و ارضاء نیاز است. فعالیت جنسی

همچنین شامل مسیر و فعالیت‌هایی است که طی آن‌ها، علایق جنسی فرد دیگر (منظور شریک جنسی) نیز برانگیخته می‌گردد رفتار جنسی دربرگیرنده جنبه‌های زیستی، هیجانی و فیزیکی است که هر کدام از این جنبه‌ها به‌نوعی درگیر در رفتار جنسی بوده و در انجام آن مشارکت دارند (Rowland & Incrocci, 2008). وجود مشکلات جنسی، باعث می‌شود تا زوجین از روابط جنسی خود لذت کافی نبرده و این مسئله، خود را به‌عنوان مشکلات زناشویی نشان دهد. از طرفی سازمان بهداشت جهانی مدعی است که رابطه جنسی حق اساسی بشر و بخش جدانشدنی زندگی وی می‌باشد که می‌تواند نقش مهمی در سلامت فرد ایفا کند. در کنار این مسائل، شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد افرادی که رابطه جنسی بیشتری دارند و از آن لذت می‌برند عمر بیشتری نسبت به کسانی دارند که رابطه جنسی ندارند و این در حالی است که افراد بسیاری از بدکارکردی‌های جنسی رنج می‌برند و سلامت روان و بهزیستی آنان به مخاطره می‌افتد (Bartlik, Rosenfeld & Beaton, 2005). از دیگر عوامل مؤثر بر زندگی زناشویی که رابطه معناداری با رضایت و دوام زندگی زناشویی دارد باورهای ارتباطی است منظور از باورهای ارتباطی، دیدگاه یا ذهنیتی است که زوجین نسبت به ارتباط زناشویی خود دارند و آن را به‌عنوان واقعیت پذیرفته‌اند و منظور از باورهای ارتباطی ناکارآمد، آن شیوه از باورها و افکار غیرمنطقی است که مختص رابطه‌ی زناشویی است و در اثر استفاده بیش‌ازحد ایجاد مشکل می‌کند که دربرگیرنده: ۱ (باور به مخرب بودن مخالفت)، ۲ (باور به تغییرناپذیری) ۳ (کمال‌گرایی جنسی) ۴ (انتظار ذهن‌خوانی زوجین از هم) و ۵ (باور به تفاوت‌های جنسیتی) است (Johnson, Horne, Hardy & Anderson, 2018). یکی از عواملی که تأثیر یک ارتباط را کاهش دهد و باعث درک نادرست پیام ارسال‌شده یا به عبارتی رمزگشایی درست آن شود عبارت از باورهای نادرست، پیش‌داوری‌ها و نگرش‌های منفی است (Dowgwillo, Pincus, Newman, Wilson, Molenaar & Levy, 2019). نتایج پژوهش گوئررو، اندرسن و عفیفی^۱ (۲۰۱۷) نشان داد که باورهای ارتباطی هر شریک بر رابطه زناشویی تأثیر می‌گذارد و تعیین می‌کند که چگونه به یکدیگر پاسخ می‌دهند و بر خشنودی زناشویی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. جکسون، گراو و بیچامپ^۲ (۲۰۱۰) نقش رابطه منطقی بین زوجین را به‌منظور جلوگیری از وقوع پدیده دلزدگی زناشویی مهم می‌دانند و عدم توانایی در برقراری ارتباط منطقی با همسر را شایع‌ترین مشکلی می‌دانند که زوجین ناراضی مطرح می‌کنند. همچنین نتایج پژوهش شایسته، صاحبی و علی‌پور (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که بین باورهای ارتباطی با رضایتمندی زناشویی رابطه منفی معنادار وجود دارد. یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت تعاملات زوجین، دلزدگی زناشویی است. دلزدگی حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است کسانی را متأثر می‌سازد که توقع دارند عشق رؤیایی به زندگیشان معنا ببخشند. این حالت زمانی بروز می‌کند که آن‌ها متوجه می‌شوند علیرغم تلاش‌هایشان رابطه‌شان به زندگی معنا نداده و نخواهد داد (Perissutti & Barraca, 2013). مؤلفه‌های دلزدگی زناشویی در سه بعد جداگانه، اما مرتبط با هم شامل خستگی جسمانی، ازپا افتادگی روانی و ازپافتادگی عاطفی است (Sobral, Matos & Costa, 2015). دلزدگی با علائمی مثل ازپا افتادن جسمی و نشانگانی مانند احساس خستگی، کسالت، بی‌حالی، سردردهای مزمن، دردهای شکمی، کم‌اشتهایی و پرخوری همراه است. ازپا افتادن عاطفی با احساس‌هایی مثل آزرده‌گی، عدم تمایل به حل مشکلات، ناامیدی، غمگینی، تهی بودن، بی‌معنایی، افسردگی، بی‌کسی، بی‌انگیزگی، در دام افتادگی، بیهودگی، آشفتگی عاطفی و حتی انگیزه‌های خودکشی مشخص می‌شود. ازپا افتادگی روانی نیز به شکل کاهش خودباوری، نظر منفی نسبت به همسر، احساس یأس و سرخوردگی نسبت به همسر، ناکامی در مورد خود و دوست نداشتن خود مشخص می‌گردد (Pines, 2013). زمانی که افراد پا به عرصه زندگی زناشویی می‌گذارند با انتظارات و توقعات خاصی که از پیش در ذهن خود داشته‌اند، وارد این رابطه می‌گردند؛ اما زمانی که متوجه می‌شوند که واقعیت چیزی دیگر است به تدریج دچار نوعی احساس سرخوردگی و دلخوری و در نهایت دلزدگی از رابطه زناشویی خود می‌شوند، این پدیده امری تدریجی است و به ندرت ناگهانی اتفاق می‌افتد، در حقیقت عشق و صمیمیت به تدریج تحلیل می‌رود و همراه با آن فرسودگی کلی به وجود می‌آید، در بدترین حالت دلزدگی منجر به

1. Guerrero, Andersen & Afifi

2. Jackson, Grove & Beauchamp

قطع شدن و شکستن رابطه زناشویی می شود (Pines, 2013). با توجه به آنچه گفته شد، باورهای بد کارکردی جنسی، باورهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی از عوامل پیش‌بینی کننده مهم و تأثیرگذار در کاهش کیفیت رابطه ی زوجی و افزایش بی‌ثباتی در ازدواج هستند و می‌توانند مقدمات بی‌میلی زوجین به ادامه زندگی مشترک و تمایل به طلاق و جدایی را در آنان افزایش دهند. لذا پژوهش حاضر به بررسی عوامل پیش‌بینی کننده میل به طلاق از زوایایی جدید و با در نظر گرفتن متغیرهای باورهای بدکارکردی جنسی و باورهای ارتباطی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بینی کننده مستقیم میل به طلاق و متغیر دلزدگی زناشویی به‌عنوان متغیر میانجی پرداخت. هدف پژوهش حاضر آزمون مدل رابطه بین باورهای بدکارکردی جنسی و باورهای ارتباطی با میانجی‌گری دلزدگی زناشویی بود. همچنین فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

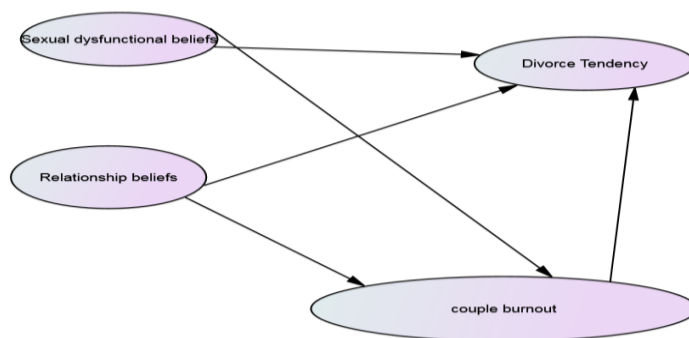
- ۱- باورهای بدکارکردی جنسی بر میل به طلاق اثر مستقیم دارد.
- ۲- باورهای ارتباطی بر میل به طلاق اثر مستقیم دارد.
- ۳- باورهای بدکارکردی جنسی و باورهای ارتباطی از طریق دلزدگی زناشویی بر میل به طلاق اثر غیرمستقیم دارند

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

بین رفتارها و اختلالات جنسی با باورهای جنسی رابطه وجود دارد. باورهای جنسی به‌عنوان افکار فرد در مورد رفتارهای جنسی تعریف می‌شود. مطالعات قبلی نشان داده است، باورهای جنسی متفاوت در شکل‌گیری بدکارکردی‌های جنسی متفاوت نقش مهمی دارد (Nobre & Pinto-Gouveia, 2006). باورهای بدکارکردی جنسی، خواه توسط آموزش، خواه توسط الگوهای فرهنگی متعارض تعیین شود، می‌تواند به سکوتی رنج‌آور منجر شود که مخفیانه و بدون آگاهی صحیح از دلایل آن، شخص را از نظر روانی تحلیل می‌برد و از پا در می‌آورد و بر کیفیت ارتباطش تأثیر منفی می‌گذارد و باعث کاهش صمیمیت زناشویی می‌شود (Bălănean, 2012). نقش باورهای ارتباطی ناکارآمد نیز بر مسائل زناشویی در پژوهش‌های مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است در این راستا می‌توان به ارتباط سطح بالای باورهای ارتباطی و سطح پایین رضایت زناشویی (Sharp & Ganong, 2000). باورها و بی‌ثباتی در ازدواج (صاحب دل، جمشیدی و شکوری، ۱۳۹۶)، باورها و دلزدگی زناشویی (رضاحاجی بیگدلی و تمنایی‌فر، ۱۳۹۶)، رابطه معنادار باورهای ارتباطی و سازگاری زناشویی (Hamamci, 2005؛ کیش‌بافان، ۱۳۹۳) و همچنین نتایج تحقیقات گاتمن^۱ (۲۰۱۳) که باورهای ارتباطی زوجین را پیش‌بینی کننده وقوع طلاق می‌داند، اشاره کرد. تحقیقات کارشناسان خانواده نشان می‌دهد که امروزه شیوع دلزدگی زناشویی بیشتر شده است. به‌طوری‌که ۵۰٪ از زوجین در ازدواج خود با دلزدگی مواجه می‌شوند (عبادت پور، شفیع‌آبادی و فلسفی نژاد، ۱۳۹۲). تساپلاس، آرون و اورباچ^۲ (۲۰۰۹)، در پژوهش خود نشان دادند که دلزدگی زناشویی منجر به از بین رفتن صمیمیت و جدایی عاطفی زوجین می‌شود. این موضوع سبب می‌شود تا زوجین نتوانند پاسخ مناسبی برای حل اختلاف‌هایشان بیابند.

1 . Gottman

2 . Tsapelas, Aron & Orbuc



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۳- روش‌شناسی

پژوهش حاضر، همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری است. جامعه آماری این پژوهش کلیه زوجین متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اردبیل در سال ۱۴۰۱ بودند. در این مطالعه از روش نمونه‌گیری در دسترس و با در اختیار داشتن لیست افراد مراجعه‌کننده به این مراکز مشاوره، ۲۹۰ نفر از این مراجعان انتخاب شدند و با ارائه پرسشنامه‌های پژوهش به این افراد اطلاعات لازم کسب شد. جهت تحلیل داده‌ها، از ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی اعتبار و از روایی سازه و تحلیل عاملی پرسشنامه‌ها برای کسب اطمینان از روایی پرسشنامه‌های پژوهش بهره گرفته شد. تحلیل داده‌ها در این پژوهش با نرم‌افزارهای SPSS-26 و AMOS-24 انجام گرفت.

الف) پرسشنامه باورهای بد کارکردی جنسی^۱: این پرسشنامه ۴۰ ماده‌ای برای ارزیابی باورها و تصورات قالبی جنسی است که در ادبیات بالینی، عوامل مستعدکننده ایجاد بدکارکردی جنسی مردان و زنان تلقی می‌شود. پرسشنامه در دو نسخه مردان و زنان ارائه شده است. هر کدام از آن‌ها باورهای وابسته به هر جنس را به‌طور اختصاصی اندازه‌گیری می‌کند. از افراد خواسته می‌شود تا موافقت خود را در یک مقیاس پنج درجه‌ای از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق طبقه‌بندی کنند (Nobre & Pinto-Gouveia, 2006). زیر مقیاس فرم زنان شامل شش باور است: باورهای مربوط به پاک‌دامنی زن، باورهای مربوط به میل و لذت جنسی به‌مثابه گناه، باورهای مربوط به تصویر بدنی، باورهای مربوط به تقدم عاطفه بر لذت جنسی و باورهای مربوط به تقدم وظایف مادرانه بر رابطه جنسی. پایایی آزمون بازآزمون برای نسخه مردان و زنان با فاصله چهار هفته دارای همبستگی معنادار و رضایت بخشی بوده است. آلفای کرونباخ برای نسخه مردان ۰/۹۳ و برای نسخه زنان ۰/۸۳. همسانی درونی پرسشنامه را تأیید کرده است (Nobre & Pinto-Gouveia, 2006). در نسخه فارسی این پرسشنامه برای مردان همسانی درونی ۰/۸۹؛ و برای زنان ۰/۸۰ به دست آمده است (محمدی، قایدی و محمدی-جوینده، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی کلی پرسشنامه باورهای بدکارکردی جنسی ۰/۹۰۲ بدست آمد.

ب) پرسشنامه باورهای ارتباطی^۲: این پرسشنامه دارای ۴۰ سؤال است که برای اندازه‌گیری باورهای ارتباطی درباره روابط زناشویی توسط اپشتاین و آیدلسون^۳ (۱۹۸۱) ساخته شده است و نسخه فارسی آن توسط (مظاهری و پور اعتماد، ۱۳۸۰) به نقل از ادیب راد، مهدی‌ف ادیب راد و دهشیری، (۱۳۸۴) تهیه شده است. این پرسشنامه دارای ۵ خرده مقیاس است که عبارتند از: الف-باور به مخرب بودن مخالفت، ب-باور به عدم تغییرپذیری همسر، پ-توقع ذهن‌خوانی، ت-کامل گرایی جنسی، ث-باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی است. سؤالات این پرسشنامه از نوع لیکرت می‌باشد و آزمودنی‌ها نظر خود را در مورد هر عبارت در قالب یکی از گزینه‌ها

1. Sexual dysfunctional beliefs Questionnaire (SDBQ)

2. Relationship beliefs inventory

3. Epstein & Eidelson

(کاملاً غلط تا کاملاً درست) ابراز می‌دارند. با جمع زدن امتیازات مربوط به هر خرده مقیاس، نمره خرده مقیاس مربوطه محاسبه و با جمع کردن نمره ۵ خرده مقیاس، نمره کل باورهای ارتباطی محاسبه می‌شود. نمره بالاتر نشان‌دهنده باورهای ارتباطی غیرمنطقی‌تر است. ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس از ۰/۷۲ درصد تا ۰/۸۱ برآورد شده است و هر خرده مقیاس رابطه معناداری با مقیاس‌های زناشویی دارد (O'Leary, 1987).

پ) مقیاس دل‌زدگی زناشویی:^۱ این ابزار توسط پاینز در سال ۱۹۹۶ جهت اندازه‌گیری میزان دل‌زدگی زناشویی ساخته شده است. دارای ۲۱ عبارت است که سه بعد از پافتادگی جسمانی، عاطفی و روانی را می‌سنجد (نقل از سیرین و دنیز^۲، ۲۰۱۶). طبق نظر پاینز (۱۹۹۶) درجه ۲ و کمتر نشان از رابطه خوب، درجه ۳ خطر دل‌زدگی، درجه ۴ حالت دل‌زدگی، درجه ۵ وجود بحران و درجه بیش از ۵ کمک فوری است (Sirin & Deniz, 2016). نسخه‌های ترجمه‌شده این ابزار به‌طور موفقیت‌آمیزی در مطالعات بین فرهنگی در کشورهای مختلف مورد استفاده بودند (پاینز و نانز، ۲۰۰۳). اعتبار این ابزار توسط پاینز (۱۳۹۴) از طریق روش بازآزمایی در یک دوره یک ماهه ۰/۸۹، برای یک دوره دو ماهه ۰/۷۶ و برای یک دوره چهار ماهه ۰/۶۶ اعلام شده است (شفیعی و قمرانی، ۱۳۹۶). سیرین و دنیز (۲۰۱۶) ضریب اعتبار را از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۲ اعلام کردند. روایی سازه این مقیاس به‌وسیله همبستگی منفی با ویژگی‌های ارتباطی مثبت مانند نظر مثبت در مورد ارتباط، کیفیت ارتباط، احساس امنیت، خودشکوفایی، احساس هدفمندی، کشش و جاذبه عاطفی نسبت به همسر و کیفیت رابطه جنسی آن‌ها تأیید شده است (Pines & Nunes, 2003). سیرین و دنیز (۲۰۱۶) نیز روایی این ابزار را تأیید کردند. نظریه‌پرداز، زهراکار، پوریچی و داورنیا (۱۳۹۸) در پژوهش خود بر روی نمونه ایرانی، ضریب همسانی درونی این ابزار را با محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۷۷ اعلام کرده‌اند. در پژوهش نادری، افتخار و آملازاده (۱۳۸۸) ضریب اعتبار از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۸ محاسبه شده است و روایی همگرای آن از طریق همبستگی منفی با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ تأیید شده است. در پژوهش حاضر اعتبار کل از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۱ بود.

ت) پرسشنامه میل به طلاق:^۳ پرسشنامه میل به طلاق، به‌وسیله روزبولت و زمبروت^۴ (۱۹۸۳)، طراحی شده و ۲۸ گویه دارد. این پرسشنامه برای ارزیابی زوجین مستعد و متمایل به طلاق به کار می‌رود و شامل ۴ بعد و هر بعد ۷ گویه دارد. ۱- تمایل به خارج شدن (تمایل به طلاق)، ۲- تمایل به مسامحه، ۳- ابراز احساسات و ۴- وفاداری است. هر گویه با مقیاس درجه‌بندی ۷ تایی نمره‌گذاری می‌شود. (۱- هرگز، ۲- به ندرت، ۳- خیلی کم، ۴- کم، ۵- زیاد، ۶- خیلی زیاد، ۷- همیشه)؛ بنابراین نمره کل این پرسشنامه با جمع نمرات گویه‌ها به دست می‌آید. نمره بالا حاکی از میزان بالای تمایل به طلاق است. پایایی این مقیاس در بعد خارج شدن (تمایل به طلاق) ۰/۹۱، برای ابراز احساسات ۰/۷۶، وفاداری ۰/۶۳ و مسامحه ۰/۸۶ گزارش شده است (Rusbult, & Zembrodt, 1983). در ایران داودی، اعتمادی و بهرامی (۱۳۹۰)، پرسشنامه را ترجمه و روایی آن تأیید و پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ، برای نمره کل ۰/۸۸ و برای بعد خارج شدن ۰/۹۸، ابراز احساسات ۰/۹۰، وفاداری ۰/۸۶ و مسامحه ۰/۷۲ گزارش شده است. فرم کوتاه و ۱۴ گویه ای این پرسشنامه به‌وسیله زارعی محمودآبادی (۱۳۹۱)، در افراد متقاضی طلاق اجرا شده و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل نمونه ۰/۸۹ برای زنان و ۰/۸۷ برای مردان و برای تمایل به خارج شدن ۰/۸۹ و مسامحه ۰/۸۸ گزارش شده است. در پژوهش حاضر از فرم کوتاه و ۱۴ گویه ای این پرسشنامه استفاده شده است و برای تعیین اعتبار این مقیاس از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که با توجه به مفروضه‌های تحلیل عاملی مشخص شد که شاخص کفایت نمونه‌برداری (kmo)، ۰/۸۲ است که از حداقل مقدار قابل قبول آن یعنی ۰/۷ بیشتر است. همچنین محاسبات نشان داد که شاخص مجذور کای برای آزمون کرویت بارتلت از لحاظ آماری معنادار است $p < 0.001$ و بار عاملی تمام گویه‌ها و ماتریس عاملی آن‌ها بین ۰/۴۷ تا ۰/۷۶ بوده است؛ لذا با توجه به برقراری

1. couple burnout measurement (CBM)

2. Sirin & Deniz

3. Divorce Tendency Scale

4. Rusbult, & Zembrodt

مفروضه‌های تحلیل عاملی می‌توان به استخراج عامل‌ها اطمینان کرد. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی کلی پرسشنامه میل به طلاق ۰/۸۳ بدست آمد.

۴- یافته‌ها

نمونه مورد مطالعه از نظر سنی اکثراً در بازه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال (۴۳/۱ درصد) بودند. ۷۸/۳ درصد از نمونه را مردان و ۲۱/۷ درصد را زنان به خود اختصاص داده بودند. از بین مقاطع تحصیلی بیشترین تعداد شرکت‌کننده‌ها متعلق به مقطع کارشناسی با تعداد ۱۱۶ نفر (۴۰ درصد) بودند. از نظر تعداد فرزند، ۷۳/۱ درصد از افراد دارای یک یا دو فرزند و از نظر شغل، ۲۰۴ نفر (۷۰/۳ درصد) شاغل بودند.

جدول ۲. نتایج میانگین، انحراف معیار، چولگی، کشیدگی و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	۱	۲	۳	۴
باورهای بدکارکردی	۶۸/۷۵	۱۱/۵۶	۰/۲۷۶	-۱/۵۳۲	۱			
جنسی								
باورهای ارتباطی	۲۹/۵۱	۱۶/۱۰	۰/۸۳۷	-۲/۰۰۸	۰/۱۴*	۱		
دلزدگی زناشویی	۴۳/۶۲	۱۲/۲۲	۰/۶۲۱	-۰/۱۴۱	۰/۴۰*	۰/۶۵**	۱	
میل به طلاق	۸۰/۳۳	۱۴/۸۱	-۱/۳۴۰	۱/۵۳۷	۰/۵۳*	-۰/۱۹**	۰/۲۷*	۱

$P<0/05$, $p<0/01$ **

قبل از برازش مدل، ابتدا شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی مدل بررسی شد. جدول ۲، میانگین و انحراف معیار هر یک از متغیرهای حاضر در پژوهش و ماتریس همبستگی آن‌ها را نشان می‌دهد که طبق این جدول، ارتباط بین متغیرها در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنادار است که بیشترین مقدار ضریب همبستگی مربوط به رابطه بین باورهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی (۰/۶۵) است. مقدار چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش کمتر از ۳ است که نشان می‌دهد مفروضه‌ی نرمالیت چند متغیره نیز برقرار است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل

شاخص‌های برازش	بازه قابل قبول	شاخص‌های برازش
نسبت کای اسکور به درجات آزادی ^۱ (CMID/DF)	$p\text{-value}<0/05$	$0/001<$ (4.39/41)
	خوب <3	
	قابل قبول <5	
شاخص نیکویی برازش ^۲ (GFI)	$>0/90$	۰/۹۰۴
شاخص برازش هنجار شده ^۳ (NFI)	$>0/90$	۰/۹۶۶
شاخص برازش افزایشی ^۴ (IFI)	$>0/90$	۰/۹۷۳
شاخص برازش تطبیقی ^۵ (CFI)	$>0/90$	۰/۹۷۳

1. Chi-Square Ratio to Degrees of Freedom

2. Goodness of fit index

3. Normed fit index

4. Incremental fit index

5. Comparative fit index

۰/۰۹

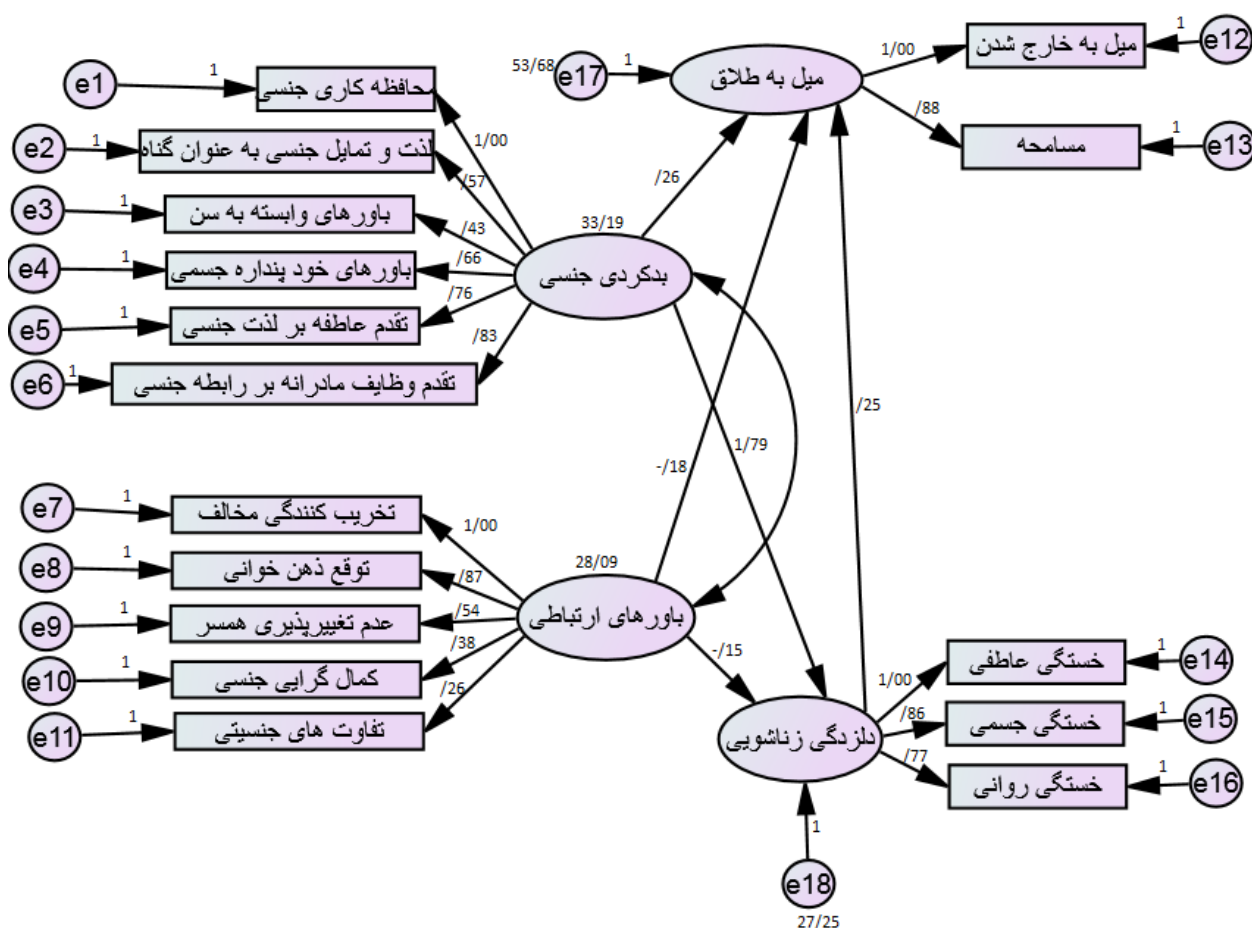
خوب < ۰/۰۸

ریشه‌ی میانگین مجذور خطای میانگین^۱ (RMSEA)

متوسط ۰/۱ تا ۰/۰۸

ضعیف > ۰/۱

جدول ۳، نشان می‌دهد تمام شاخص‌های برازش مدل پس از اصلاح، با داده‌ها از مقادیر مطلوبی برخوردار هستند؛ بنابراین می‌توان گفت مدل با داده‌های تجربی برازش دارد و در نتیجه می‌توان فرضیه‌های پژوهش را مورد بررسی قرارداد.



شکل ۲. ضرایب رگرسیون استاندارد نشده مدل پژوهش

جدول ۴. تأثیر مستقیم متغیرهای باورهای بدکارکردی جنسی، باورهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی بر میل به طلاق

مسیر	B	Beta	SE	T	P-value
باورهای بدکارکردی جنسی → میل به طلاق	۰/۲۶	۰/۲۶۲	۰/۰۷۱	۳/۶۹۱	۰/۰۰۱
باورهای ارتباطی → میل به طلاق	۰/۱۸	۰/۱۷۵	۰/۰۶۱	۲/۸۶۷	۰/۰۰۴
دلزدگی زناشویی → میل به طلاق	۰/۲۵	۰/۲۵۴	۰/۰۸۷	۲/۹۲۵	۰/۰۰۳

جدول ۴، نشان می‌دهد ضریب اثر مستقیم باورهای بدکارکردی جنسی بر میل به طلاق (۰/۲۶۲) در سطح ۰/۰۰۱، ضریب اثر مستقیم باورهای ارتباطی بر میل به طلاق (۰/۱۷۵) در سطح ۰/۰۰۴، ضریب اثر مستقیم دل‌زدگی زناشویی بر میل به طلاق (۰/۲۵۴) در سطح ۰/۰۰۳ معنادار است.

جدول ۵. تأثیر غیرمستقیم میانجی‌گری دل‌زدگی زناشویی در رابطه متغیرهای باورهای بدکارکردی جنسی و باورهای ارتباطی بر میل به طلاق

میانجی	B	Beta	P-value
باورهای بدکارکردی جنسی ← دل‌زدگی زناشویی ← میل به طلاق	۰/۰۱۹	۰/۰۱۴	۰/۰۰۱
باورهای ارتباطی ← دل‌زدگی زناشویی ← میل به طلاق	۰/۰۳۸	۰/۰۲۶	۰/۰۰۱

مطابق جدول ۵. تأثیر باورهای بدکارکردی جنسی و باورهای ارتباطی بر روی میل به طلاق با اثر میانجی‌گری دل‌زدگی زناشویی به ترتیب برابر با ۰/۰۱۴ و ۰/۰۲۶ می‌باشد که این تأثیرات در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی میل به طلاق بر اساس باورهای بدکارکردی جنسی و باورهای ارتباطی با میانجی‌گری دل‌زدگی زناشویی بود. اولین نتیجه پژوهش نشان داد که باورهای بدکارکردی جنسی به‌صورت مستقیم تأثیر مثبت بر میل به طلاق دارد. بدین‌صورت که افزایش باورهای بدکارکردی جنسی در زوجین بر افزایش میل به طلاق مؤثر است. در همین زمینه نتایج پژوهش خاتمی، بهادرخان، بندارکاخکی و بیانفر (۱۳۹۸) نشان داد مؤلفه‌های باورهای ناکارآمد جنسی با تأثیرگذاری بر عملکرد و خودپنداره جنسی زنان، صمیمیت و رضایت جنسی آنان را هدف می‌گیرد؛ و با کاهش این دو مؤلفه کیفیت و رضایتمندی زناشویی کاهش پیدا می‌کند و این موضوع به‌تدریج به افزایش شکاف بین همسران و به‌تبع آن طلاق عاطفی می‌انجامد. در تبیین نتایج فوق می‌توان اظهار داشت، هر نوع کارکرد ناقص و یا ضعیف در روابط زناشویی در قابلیت ایجاد آسیب در روابط عاطفی مابین همسران مؤثر می‌باشد. کارکردهای جنسی به‌عنوان یکی از انواع کارکردهای زناشویی کیفیت رابطه عاطفی و رضایت زناشویی را متأثر از خود می‌سازد (صادقی و سامانی، ۲۰۱۱). مشکلات جنسی در روابط زناشویی می‌تواند منجر به پایین آمدن کیفیت روابط جنسی و در کل، روابط زناشویی شود. پایین آمدن کیفیت در این موارد، خود می‌تواند منجر به نارضایتی زناشویی و سرخوردگی و دل‌زدگی جنسی و زناشویی گردد؛ پاینز (۱۳۹۴) نیز معتقد است که رضایتمندی زناشویی پایین می‌تواند منجر به بروز سرخوردگی و دل‌زدگی از زندگی زناشویی و تنزل کیفیت زندگی زناشویی شود. بیش از نیمی از مشکلات جنسی که باعث نابودی زندگی و روابط خانوادگی می‌شود به علت عدم آگاهی و داشتن عقاید و باورهای نادرست در مورد روابط جنسی ایجاد می‌شود (Brandt, 2004). شواهد قابل‌توجهی نشان داده است که اختلال عملکرد جنسی به‌طور منفی با رضایت جنسی افراد در یک رابطه دگر جنس‌گرای متعهد مرتبط است (Damiris & Allen, 2023). به اعتقاد زوج درمانگران رابطه جنسی ضعیف سرآغاز نابودی رابطه زناشویی است (پاینز، ۱۳۹۴). نتیجه‌ی بعدی پژوهش حاضر نشان داد که باورهای ارتباطی زوجین به‌صورت مستقیم، تأثیر مثبت بر میل به طلاق دارد. بدین‌صورت که افزایش باورهای ارتباطی زوجین بر افزایش میل به طلاق در آن‌ها مؤثر است. این یافته با نتایج پژوهش شمشیرگران و همائی (۱۳۹۷)، هامامکی (۲۰۰۵)، لارنس، پدرسون، بونده، بری، براک، فازو و همکاران^۱ (۲۰۰۸) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان نتیجه گرفت که باورهای ارتباطی به‌صورت مستقیم می‌تواند در نگرش زوجین به یکدیگر در تمامی موارد رفتاری، عاطفی، شخصیتی

1. Lawrence, Pederson, Bunde, Barry, Brock, Fazio & et al.

و جنسیتی تأثیرگذار باشد، در نتیجه دارا بودن باورهای غیرمنطقی ارتباطی توسط زوجین می‌تواند مخرب بوده و بدون توجه به تفاوت‌های جسمانی و رفتاری از یکدیگر انتظارات بیش‌ازحد داشته و موجب کمال‌گرایی در رفع نیازهای جنسی و سایر نیازهای عاطفی در رابطه با همسر خود گردند، در نتیجه این‌گونه باورهای غیرمنطقی در روابط با همسر بالاخص از سوی مردان موجب دل‌زدگی زنان شده و گرایش به جدایی و طلاق را در بین آن‌ها افزایش می‌دهد. برنارد^۱ (۲۰۰۹) معتقد است که باورهای ارتباطی غیرمنطقی اساس بیولوژیکی قوی‌تری دارند که داشتن این باورهای غیرمنطقی به مشکلات روانی بیشتر و اختلال در روابط زناشویی منجر می‌شود، درحالی‌که باورهای منطقی نقش ویژه‌ای در موفقیت افراد دارد. الیس معتقد است که رها شدن انسان‌های پرانگیزه از دست تحقیر خویشتن و خودخوارشماری به‌عنوان جلوه‌هایی از تفکر غیرمنطقی، ممکن است سطح تحمل ناکامی در روابط زناشویی آن‌ها را بالا ببرد و در نهایت آن‌ها را به سمت موفقیت و پیشرفت سوق دهد. ناخرسندی و اختلال در رابطه درواقع از باورهای ارتباطی غیرواقع بینانه نشئت می‌گیرد و به دنبال آن، دسته‌ای از نیازها و تقاضاهای غیرعقلانی به وجود می‌آید که زن و شوهر نه تنها از یکدیگر، بلکه از خود و ازدواجشان دارند (فاتحی و کچویی، ۱۳۹۹). نتایج دیگر پژوهش نشان داد باورهای بد کارکردی جنسی با میانجی‌گری دل‌زدگی زناشویی اثر غیرمستقیم و مثبت بر میل به طلاق دارد و باورهای ارتباطی با میانجی‌گری دل‌زدگی زناشویی اثر غیرمستقیم و مثبت بر میل به طلاق نشان می‌دهد. به‌نوعی باورهای بدکارکردی جنسی باعث افزایش دل‌زدگی زناشویی در زوجین شده و دل‌زدگی زناشویی نیز میل به طلاق را افزایش می‌دهد. همچنین، باورهای ارتباطی غیرمنطقی زوجین، دل‌زدگی زناشویی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده و میل به طلاق در زوجین افزایش می‌یابد. از آنجایی‌که پژوهشی با بررسی میانجی‌گری دل‌زدگی زناشویی در پیش‌بینی میل به طلاق صورت نگرفته لذا نمی‌توان یافته‌های حاصل را با پژوهش دیگری مقایسه کرد ولی از آنجایی‌که متغیر دل‌زدگی زناشویی در برخی پژوهش‌ها به‌عنوان پیش‌بینی کننده کیفیت زندگی زناشویی و میل به طلاق اثرگذارش مورد تأیید قرار گرفته می‌توان نتایج پژوهش حاضر را با توجه با اثر مستقیمی که این متغیر بر افزایش میل به طلاق دارد با مطالعات لنبلند و هانسون^۲ (۲۰۰۶)، عباسی اسفجیر، رضانی و جوانمرد (۱۳۹۵) و کمایی و صداقتی فرد (۱۳۹۴) همسو دانست. در راستای تبیین این نتایج می‌توان چنین اظهار داشت، از آنجایی‌که دل‌زدگی زناشویی به معنای حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است، زمانی بروز می‌کند که به علت عدم تناسب بین توقعات و واقعیات و بر اثر انباشته شدن فشارهای روانی تضعیف‌کننده عشق، خستگی و یکنواختی در رابطه زناشویی رخ می‌دهد که نهایتاً منجر به مختل کردن ارتباط بین زوجین می‌شود (کمایی و صداقتی فرد، ۱۳۹۴). به تعبیری سرخوردگی و دل‌زدگی زناشویی، کاهش تدریجی دل‌بستگی عاطفی به همسر است که با احساس بیگانگی، بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی به یکدیگر و جایگزینی عواطف منفی به جای عواطف مثبت همراه است بنابراین، با در نظر گرفتن پیامدهای ناشی از دل‌زدگی زناشویی زوجین می‌توان تا حد زیادی تمایل زوجین به طلاق را پیش‌بینی کرد. مطالعه حاضر نیز همانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی از قبیل تعداد کم نمونه پژوهش، محدودیت‌های مرتبط با روش جمع‌آوری داده‌ها، محدودیت در پوشش جغرافیایی داده‌ها و استفاده از ابزار خودگزارشی همراه بود. لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با تعداد نمونه بالاتر و همچنین در بافت‌های اجتماعی و فرهنگی مختلف در راستای رفع محدودیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها صورت گیرد.

۶- تقدیر و تشکر

با تشکر فراوان از شرکت‌کنندگان در این پژوهش که روند اجرای آن را تسهیل نمودند.

1 . Bernard

2 . Lund Bland & Hansson

۷- منابع

- ۱- اسپنس، اس. اچ. (۱۳۸۵). *درمان اختلالات جنسی (دیدگاه شناختی رفتاری)*. ترجمه توژنده جانی، ح. توکلی‌زاده، ج. محمدی، م؛ و دهگانی، م. پیک فرهنگ. تهران.
- ۲- ادیب راد، ن. مهدوی، آ، ادیب راد، م.، و دهشیری، غ. (۱۳۸۴). مقایسه باورهای ارتباطی زنان مراجعه‌کننده به مراکز قضایی و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک شهر تهران. *خانواده پژوهی*، ۱ (۲)، ۸-۱.
- ۳- پاینز، آ. (۱۳۹۴). *چه کنیم تا عشق رویایی به دلزدگی نینجامد*. ترجمه شاداب، ف. انتشارات ققنوس. تهران.
- ۴- خاتمی، س. م.، بهادرخان، ا.، بندارکاخکی، ز.، و بیانفر، ف. (۱۳۹۸). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس مؤلفه‌های باورهای ناکارآمد جنسی در زنان متأهل. *مجله دانشکده پزشکی علوم پزشکی مشهد*، ۶۲ (ویژه روانشناسی)، ۷۸۶-۷۹۷.
- ۵- داودی، ز.، اعتمادی، ع.، و بهرامی، ف. (۱۳۹۰). رویکرد کوتاه‌مدت راه‌حل محور برای کاهش گرایش به طلاق در زنان و مردان مستعد طلاق. *رفاه اجتماعی*، ۱۱ (۴۳)، ۱۳۴-۱۲۱.
- ۶- رضاحاجی بیدگلی، ا.، و تمنایی فر، م. (۱۳۹۶). بررسی رابطه باورهای ارتباطی و دل‌زدگی زناشویی. چهارمین کنفرانس بین‌المللی نوآوری‌های اخیر در روانشناسی، ۱۵-۱.
- ۷- زارعی محمودآبادی، ح. (۱۳۹۱). بررسی عوامل پیش‌بینی کننده میل به طلاق، تدوین مدل مداخله‌ای بومی و اثربخشی آن بر میل و خودکارآمدی مدیریت طلاق در زوجین متقاضی طلاق شهر یزد. *پایان‌نامه دکتری دانشگاه اصفهان*.
- ۸- سادوک، ب.، سادوک، و.، و روئیز، پ. (۱۴۰۰). *خلاصه روان‌پزشکی*. ترجمه رضایی، ف. انتشارات ارجمند. تهران.
- ۹- شایسته، گ.، صاحبی، ع.، علی‌پور، ا. (۱۳۸۵). بررسی رابطه رضایتمندی زناشویی با باورهای ارتباطی و انتظارات غیرمنطقی زوجین. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۲ (۷)، ۲۳۸-۲۲۳.
- ۱۰- شفیعی، ز.، و قمرانی، ا. (۱۳۹۶). نقش شخصیت تاریک و شکستگی در دل‌زدگی زناشویی زوجین. *زن و جامعه*، ۸ (۲۹)، ۷۷-۹۴.
- ۱۱- شمشیرگران، م.، و همائی، ر. (۱۳۹۷). بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی و مؤلفه‌های آن با دل‌زدگی زناشویی در کارکنان متأهل شرکت ملی حفاری استان خوزستان. *رویش روان‌شناسی*، ۷ (۱)، ۱۳۴-۱۱۱.
- ۱۲- صاحب دل، ح.، جمشیدی، ع.، و شکوری، ز. (۱۳۹۶). رابطه باورهای ارتباطی و میزان بی‌ثباتی ازدواج در زنان و مردان متأهل. *زن و مطالعات خانواده*، ۹ (۳۵)، ۷۸-۶۵.
- ۱۳- عباسی اسفجیر، ع.، رضایی، ل.، و جوانمرد، م. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و رضایت زوجین با دل‌زدگی زناشویی فرهنگیان متأهل شهرستان بهشهر. *فصلنامه دانش انتظامی مازندران*، ۷ (۴)، ۴۳-۵۶.
- ۱۴- عبادت پور، ب.، نوابی نژاد، ش.، شفیعی‌آبادی، ع.، و فلسفی نژاد، م. (۱۳۹۲). نقش واسطه‌ای کارکردهای خانواده برای تاب‌آوری فردی و باورهای معنوی و دل‌زدگی زناشویی. *فصلنامه علمی روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۴ (۱۳)، ۴۵-۲۹.
- ۱۵- فاتحی، ن.، و کچویی، م. (۱۳۹۹). رابطه باورهای ارتباطی غیرمنطقی و دل‌زدگی زناشویی: نقش میانجی‌گر راهبردهای سازش نیافته تنشیم شناختی هیجان. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۳ (۵)، ۲۹۲-۲۹۱۲.
- ۱۶- کمایی، ف.، و صداقتی‌فرد، م. (۱۳۹۴). بررسی رابطه کژکاری جنسی در زنان متأهل با دل‌زدگی زناشویی آن‌ها. *فصلنامه روان‌شناسی تحلیلی-شناختی*، ۶ (۲۳)، ۶۷-۶۰.
- ۱۷- کیش‌بافان، ب. (۱۳۹۳). بررسی رابطه هوش هیجانی با باورهای ارتباطی و سازگاری زناشویی در معلمان زن مجتمع آموزشی شهید نوربخش شهرستان مشهد. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت*.

- ۱۸- محمدی، ا.، قائد، غ.، و محمدی جوینده، س. (۱۳۸۶). ارتباط باورهای بدکردری جنسی و افسردگی در افراد مبتلا به اختلال‌های جنسی. مجموعه مقالات سومین کنگره سراسری خانواده و سلامت جنسی.
- ۱۹- محمدی، م.، شیخ هادی سیروئی، ر.، گرافر، ا.، زهراکار، ک.، شاکرمی، م.، و داورنیا، ر. (۱۳۹۵). اثر زوج‌درمانی شناختی رفتاری به شیوه گروهی بر افسردگی زناشویی و میل به طلاق در زوجین. ارمغان دانش، ۲۱(۱۱)، ۱۰۶۹-۱۰۸۶.
- ۲۰- نادری، ف.، و افتخار، ز.، و آملزاده، ص. (۱۳۸۸). رابطه ویژگی‌های شخصیت و روابط صمیمی با دلزدگی زناشویی در همسران معتاد مرد اهواز. یافته‌های نو در روانشناسی، ۱۱(۴)، ۶۱-۷۸.
- ۲۱- نظریور، د.، زهراکار، ک.، پوریحی، م.، و داورنیا، ر. (۱۳۹۸). اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر تصویرسازی ارتباطی: تأثیر آن بر دلزدگی زناشویی. فصلنامه اعصاب شفای خاتم، ۷(۴)، ۶۰-۵۱.
- 22- Amato, P. R., & Hohmann-Marriott, B. (2007). A comparison of high-and low-distress marriages that end in divorce. *Journal of Marriage and Family*, 69(3), 621-638.
- 23- Azimi, M., Homayouni, A. R., & Mohammad Zadeh, R. A. (2016). To Investigate the Relationship between Marital Satisfaction and Attitude to Love and Quality of Life in Pregnant Women. *International Journal of Humanities and Cultural Studies (IJHCS)* ISSN 2356-5926, 1883-1892.
- 24- Bălănean, R. (2012). Postmodern psycho-social influences on the dysfunctional sexual beliefs of the Romanian youth. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 31, 714-718.
- 25- Bartlik, B. D., Rosenfeld, S., & Beaton, C. (2005). Assessment of sexual functioning: Sexual history taking for health care practitioners. *Epilepsy & Behavior*, 7, 15-21.
- 26- Ozouni-Davaji, R. B., Farahbakhsh, K., Esmaily, M., & Kazemi, F. (2018). Effect of couple's schema therapy in decreasing couples' tendency to divorce among divorce-applicant couples. *Journal of Research and Health*, 8(1), 21-31.
- 27- Bernard, M. E. (2009). Dispute irrational beliefs and teach rational beliefs: An interview with Albert Ellis. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, 27, 66-76.
- 28- Dowgwillo, E. A., Pincus, A. L., Newman, M. G., Wilson, S. J., Molenaar, P. C., & Levy, K. N. (2019). Two methods for operationalizing the interpersonal situation to investigate personality pathology and interpersonal perception in daily life. *Personality disorders: What we know and future directions for research*, 31-106.
- 29- Gottman, J. M. (2013). *Why marriages succeed or fail, and how you can make yours last*, New York: Simon & Schuster.
- 30- Guerrero, L. K., Andersen, P. A., & Afifi, W. A. (2017). *Close encounters: Communication in relationships*. Sage Publications.
- 31- Hamamci, Z. (2005). Dysfunctional relationship beliefs in marital satisfaction and adjustment. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 33(4), 313-328.
- 32- Lundblad, A. M., & Hansson, K. (2006). Couples therapy: effectiveness of treatment and long-term follow-up. *Journal of family therapy*, 28(2), 136-152.
- 33- Hiyoshi, A., Fall, K., Netuveli, G., & Montgomery, S. (2015). Remarriage after divorce and depression risk. *Social Science & Medicine*, 141, 109-114.
- 34- Damiris, I. K., & Allen, A. (2023). Exploring the Relationship between Early Adaptive Schemas and Sexual Satisfaction. *International Journal of Sexual Health*, 35(1), 13-29.
- 35- Epstein, W., & Eidelson, R. J. (1981). Unrealistic beliefs of clinical couples: Their relationships to expectations, goals and satisfaction. *American Journal of Family Therapy*, 9, 13-22.
- 36- Jackson, B., Grove, J. R., & Beauchamp, M. R. (2010). Relational efficacy beliefs and relationship quality within coach-athlete dyads. *Journal of Social and Personal Relationships*, 27(8), 1035-1050.
- 37- Johnson, M. D., Horne, R. M., Hardy, N. R., & Anderson, J. R. (2018). Temporality of couple conflict and relationship perceptions. *Journal of Family Psychology*, 32(4), 445.
- 38- Lawrence, E., Pederson, A., Bunde, M., Barry, R. A., Brock, R. L., Fazio, E., ... & Dzankovic, S. (2008). Objective ratings of relationship skills across multiple domains as predictors of marital satisfaction trajectories. *Journal of social and personal relationships*, 25(3), 445-466.
- 39- O'Leary, K. D. (Ed.). (2013). *Assessment of marital discord (psychology revivals): An integration for research and clinical practice*. Routledge.
- 40- McCarthy, B. W. (2002). *Sexuality, sexual dysfunction, and couple therapy*. The Guilford Press.
- 41- Nobre, P. J., & Pinto-Gouveia, J. (2006). Dysfunctional sexual beliefs as vulnerability factors for sexual dysfunction. *The Journal of Sex Research*, 68-75.
- 42- Perissutti, C., & Barraca, J. (2013). Integrative behavioral couple therapy vs. Traditional behavioral couple therapy: A theoretical review of the differential effectiveness. *Clínica y Salud*, 24(1), 11-18.

- 43- Pines, A. M., & Nunes, R. (2003). The relationship between career and couple burnout: Implications for career and couple counseling. *Journal of employment counseling*, 40(2), 50-64.
- 44- Pines, A. (2013). *Couple burnout: Causes and cures*. Routledge.
- 45- Rowland, D. L., & Incrocci, L. (Eds.). (2008). *Handbook of sexual and gender identity disorders*. John Wiley & Sons.
- 46- Rusbult, C. E., & Zembrodt, I. M. (1983). Responses to dissatisfaction in romantic involvements: A multidimensional scaling analysis. *Journal of experimental social psychology*, 19(3), 274-293.
- 47- Sharp, E. A., & Ganong, L. H. (2000). Raising awareness about marital expectations: Are unrealistic beliefs changed by integrative teaching?. *Family relations*, 49(1), 71-76.
- 48- Sobral, M. P., Matos, P. M., & Costa, M. E. (2015). Fear of intimacy among couples: Dyadic and mediating effects of parental inhibition of exploration and individuality and partner attachment. *Family Science*, 6(1), 380-388.
- 49- Sadeghi, L., & Samani, S. (2011). Components of couples sexual relationship: A moral perspective. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 1616-1619.
- 50- Sirin, H. D., & Deniz, M. (2016). The Effect of the Family Training Program on Married Women's Couple-Burnout Levels. *Educational Sciences: Theory and Practice*, 16(5), 1563-1585.
- 51- Brandt, S. (2004). Religious homogamy and marital satisfaction: Couples that pray together, stay together. *Sociological Viewpoints*, 20, 11-20.
- 52- Tsapelas, I., Aron, A., & Orbuch, T. (2009). Marital boredom now predicts less satisfaction 9 years later. *Psychological Science*, 20(5), 543-545.
- 53- Young, M. E., & Long, L. L. (1998). Counseling and psychotherapy of couple. *New York: Guilford*, 21-85.
- 54- Yousefi, N., & Keyani, M. (2012). Effectiveness of gestalt therapy and logo therapy on reducing males divorce tendency. *Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 1, 50-158.
- 55- Zheng, S., Duan, Y., & Ward, M. R. (2019). The effect of broadband internet on divorce in China. *Technological Forecasting and Social Change*, 139, 99-114.

Structural Equation Modeling Divorce Propensity Based on Dysfunction Sexual Beliefs, Relationship Beliefs with Marital Discontent Mediation

Hana Asadi¹, Foad Sharifi², Hossein Ghamari Kiwi^{3*}

1. Ph.D student in Counseling, Department of Counseling, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.

hana.asadi.1362@gmail.com

2. M.A in Family Counseling, Department of Counseling, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

foad.sharifi.6310@gmail.com

3. Full Professor of Counseling Department, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran. (Corresponding Author)

Hghhossein44@gmail.com

Abstract

The purpose of this study was to present a model for predicting the inclination toward divorce based on dysfunction sexual beliefs and relational beliefs with the mediation role of marital discontent in women and men seeking to counseling centers in Ardabil. In terms of methodology, this research is among correlational research. The statistical population comprised all individuals seeking counseling services in Ardabil's counseling centers, from which a sample of 290 people was chosen using the convenience sampling method. The required data were collected through the Nobreh, Penito & Vagoya Dysfunctional Sexual Beliefs Questionnaire (2007), Idelson and Epstein Relational Beliefs Questionnaire (1981), Pines' marital Discontent Questionnaire (1996) and Rosbolt and Zambrot's Divorce Propensity Questionnaire (1983). Data analysis was performed using structural equation model method and the AMOS-24 software. The results showed that according to the provided fit indices, the research model has a good fit after modification. Additionally, the direct effect of dysfunction sexual beliefs and relational beliefs on the inclination toward divorce was significant, and marital discontent played a mediating role in the relationship between dysfunctional sexual beliefs, relational beliefs, and the inclination toward divorce. The results of the study indicated that dysfunctional sexual beliefs and relational beliefs directly contribute positively to the likelihood of divorce. Additionally, dysfunctional sexual beliefs indirectly influence divorce inclination through the mediation of marital discontent. Similarly, relational beliefs exhibit an indirect and positive impact on divorce inclination through the marital discontent mediation. In other words, marital discontent, characterized by emotional detachment, feelings of alienation, indifference, and the replacement of negative emotions for positive ones, significantly predicts the inclination of couples toward divorce.

Keywords: Divorce Propensity, Dysfunctional Sexual Beliefs, Relational Beliefs, Marital Discontent.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)